



مجموعه مقالات

بهمن ماه ۱۳۹۸

ازشکده زنگنه

ملاحظات در خصوص طرح معامله قرن

الحمد لله

انديشكده راهبردي تبين



مجموعه گزارش راهبردي



ملاحظاتى در خصوص طرح معامله قرن



وبگاه انديشكده : www.Tabyincenter.ir



نشانی : تهران، اقدسيه، خيابان شهيد موحد دانش، خيابان نسترن، پلاك ۳۲، واحد ۱۱



كد پستى : ۱۹۵۷۶۶۴۷۳۱



تلفن : ۲۶۱۵۳۳۲۹



نمبر : ۸۹۷۷۱۹۶۴



طرح صلح دولت ترامپ موسوم به معامله قرن بعد از سه سال سرانجام رونمایی شد. این رونمایی در حضور نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی و سفرای امارات، بحرین و عمان انجام شد و هیچ نماینده‌ای از فلسطینی‌ها در آن حضور نداشت. این طرح تاکنون با واکنش‌های منفی زیادی در خود آمریکا، اروپا، کشورهای اسلامی و در بین فلسطینی‌ها روبرو شده است. در این خصوص ملاحظاتی وجود دارد که به شرح زیر است:

۱- با توجه به تیم تهیه‌کننده این طرح که شامل سه یهودی ارتدوکس (کوشنر، گرینبلات و فریدمن) و عدم مذاکره با فلسطینی‌ها در تهیه طرح بوده است کاملاً قابل پیش‌بینی بود که طرح کاملاً از منظر رژیم صهیونیستی و مطابق منافع و نیازهای امنیتی آن تهیه و تدوین شود.

۲- اگر چه این طرح در چارچوب راه‌حل دو-دولتی ارائه شده است اما با تکه‌پاره کردن کرانه باختری، به رسمیت شناختن حاکمیت رژیم صهیونیستی بر دره اردن و در نتیجه حذف ارتباط مرزی کرانه باختری با اردن و محصور کردن آن در سرزمین‌های تحت حاکمیت اسرائیل و همچنین توقف فعالیت جنبش‌های مقاومت، دولت فلسطینی مطابق این طرح دولتی خواهد بود که تمام عناصر چهارگانه یک دولت (جمعیت، سرزمین، حاکمیت و حکومت) در آن ناقص است.



۳- ترامپ با تصریح بر این که «اورشلیم (قدس) پایتخت غیرقابل تقسیم اسرائیل باقی خواهد ماند» در این طرح حاکمیت رژیم صهیونیستی بر تمام قدس را نیز به رسمیت شناخته است. بنابراین منظور او از این که «این نقشه در شرق اورشلیم برای فلسطینیان حق حاکمیت در نظرخواهد گرفت و آمریکا در شرق اورشلیم نیز سفارت خواهد داشت» منطقه‌ای کوچک و حاشیه‌ای و خارج از قدس است که در واقع به معنای به تمسخر گرفتن فلسطینی‌هاست. مطابق متن طرح «پایتخت فلسطین باید در بخش اورشلیم شرقی در مناطق شرق و شمال دیوار امنیتی موجود شامل کفر عقاب، بخش شرقی شعفات و ابودیس باشد و می‌تواند توسط کشور فلسطین، القدس یا چیز دیگر نامیده شود». مشاهده می‌شود که چگونه از طریق بازی با واژگان، فلسطینی‌ها به استهزاء گرفته شده‌اند.

۴- مطابق با نقشه‌ای که به عنوان کشور فلسطینی بر مبنای این طرح منتشر شده در مقابل انضمام حدود ۳۰ درصد کرانه باختری دو قطعه کوچک از صحرای نقب برای فلسطینی‌ها در نظر گرفته شده است؛ اما اولاً هیچ نوع توازنی بین شهرک‌ها و این مناطق وجود ندارد؛ دوماً اتصال این مناطق نیز با مرز مصر و صحرای سینا برقرار نشده است تا کشور فلسطین به لحاظ سرزمینی همچنان محصور در اراضی تحت حاکمیت رژیم صهیونیستی باقی بماند. علاوه بر حصر سرزمینی یکی دیگر از اهداف این طرح پراکندگی و عدم به هم پیوستگی سرزمین‌های تحت کنترل فلسطینی‌ها است.



۵- در موضوع آوارگان هیچ مسئولیتی برای رژیم صهیونیستی در نظر گرفته نشده است و طرح خواستار اسکان آنها در کشورهای دیگر یا کشور آینده فلسطینی شده است و نه در سرزمینی که از آن رانده شده‌اند.

۶- این طرح بر مبنای واقعیات میدانی ایجاد شده توسط اشغال‌گری‌های رژیم صهیونیستی و به رسمیت شناختن آنها و نه مسائل تاریخی و حقوقی تدوین شده است و برخلاف مفاد قطعنامه‌های سازمان ملل از جمله قطعنامه ۲۴۲ است که مطابق آنها رژیم صهیونیستی باید از اراضی اشغال‌کرده در سال ۱۹۶۷ عقب‌نشینی کند. بنابراین این سوال مطرح می‌شود که اگر مبنای واقعیات روی زمین بوده است چرا این طرح واقعیات ایجاد شده توسط فلسطینی‌ها مانند قدرت‌گیری گروه‌های مقاومت (حماس و جهاد) و توان نظامی آنها را به رسمیت نمی‌شناسد و به دنبال خلع سلاح آنهاست؟

۷- این طرح بیش از آن که دنبال حل مسئله فلسطین باشد به دنبال عادی‌سازی روابط کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی بر مبنای ایران‌هراسی است چنان‌که در بخش ۱۹ این طرح که به «روابط اسرائیلی-عربی و شراکت‌های اقتصادی منطقه‌ای» اختصاص دارد هدف این طرح «همکاری کامل کشورهای عربی با اسرائیل در جهت نفع همه کشورهای منطقه» عنوان شده است و ایران خطر مشترکی برای اسرائیل و کشورهای عربی قلمداد شده است. اینکه ۱۵ بار کلمه ایران در این متن به کار رفته است به خوبی گویای همین نکته است. همین‌طور در ضمیمه شماره ۲ طرح، ذیل سرتیتر ایران، با نسبت دادن اهداف و فعالیت‌هایی به ایران در منطقه عنوان شده است



«همه فعالیت‌های ایران باید در تصمیم‌گیری درباره نیازهای امنیتی اسرائیل مدنظر قرار گیرد».

۸- فلسطینی‌ها در این طرح انگار طرف معامله نیستند بلکه موضوع معامله هستند؛ آن‌ها نه در تهیه طرح مشارکت داده شدند و نه در رونمایی از طرح شرکت داشتند. آنچه در این طرح در خصوص مسئله فلسطین آمده است تنها بخشی از ترتیباتی است که برای منطقه در نظر گرفته شده است و گویا فلسطین مسئله‌ای است که در روند عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی باید بین این طرفین مورد مصالحه قرار گیرد و نه با مذاکره با طرف فلسطینی.

۹- حضور سفرای امارات، بحرین و عمان در رونمایی از طرح در واقع حضور کشورهایایی است که روند عادی‌سازی روابط را در سال‌های اخیر نسبت به دیگر کشورها بیشتر به پیش برده‌اند و زمینه‌ای برای کم‌اثر کردن واکنش منفی افکار عمومی در سایر کشورهای عربی است. کشورهای عربی دیگر مانند عربستان، قطر، کویت، اردن و مصر نیز به گونه‌ای موضع‌گیری کرده‌اند که گویا مشکلی با کلیت طرح ندارند و صرفاً اختلافاتی جزئی وجود دارد که باید در فرایند مذاکره حل شود؛ مذاکره‌ای که روند عادی‌سازی روابط را علنی‌تر کند.

۱۰- روشن است که فلسطینی‌ها با این طرح موافقت نخواهند کرد اما این طرح زمینه را برای رژیم صهیونیستی فراهم کرده است که به صورت یک‌جانبه به انضمام شهرک‌ها و دره اردن بپردازد؛ امری که نیاز به وحدت فلسطینی‌ها را برای مقابله با پیشرفت اشغال‌گری‌ها تشدید می‌کند.



اندرشکده بزرگترین



نشانی ما در شبکه های اجتماعی:

@Tabyincenter



www.tabyincenter.ir